نگاه

سنتی که رعایت نشد

هادی شوشتری
عضو کمیسیون امنیت ملی

● در فرآیند تقدیم لایحه بودجه سال آینده به مجلس، تعداد زیادی از نمایندگان طی اخطارهای قانون اساسی و تذکرات آیین‌نامه داخلی مجلس، معتقد بودند که حضور رییس‌جمهوری در مجلس در فرآیند تقدیم «الزامی» است. مدیریت محترم جلسه طی بیانات مشروحی «حضور رییس‌جمهور» را الزامی ندانستند و لایحه بودجه را اعلام وصول کردند. معنای واژه «دولت» مندرج در اصول یک‌صدوهفتادوهفت‌گانه قانون اساسی معانی مختلف و متعددی را در ادبیات حقوق عمومی و اساسی دارد. «دکتر کاتوزیان» -از منتقدان برجسته کشور- و مولف کتاب «قانون مدنی در نظم کنونی حقوقی» در کتاب «مقدمه علم حقوق» و «مبانی حقوق عمومی» به تفصیل به این بحث پرداخته است که از ورود به جزییات آن خودداری می‌شود. معنای متعارف و متبادر عمومی دولت به معنای «قوه‌مجریه و هیات وزیران» است. قانون اساسی در اصل پنجاه‌ودوم مقرر می‌دارد: «بودجه سالانه کل کشور از طرف «دولت» تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس تسلیم می‌شود... . به‌نظر می‌رسد با در نظر گرفتن اصول دیگری از قانون اساسی واژه دولت، ناظر بر رییس‌جمهوری است و او باید در صحن‌علنی حضور پیدا و لایحه بودجه را تقدیم مجلس می‌کرد. دلایل و قراین حقوقی این گزاره به اختصار به شرح ذیل است: قانون اساسی در اصل یک‌صدوبیست‌وششم مقرر می‌دارد: «رییس‌جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه... را مستقیما بر عهده دارد...» مسوولیت «تهیه بودجه»، «تصویب در هیات وزیران»، «تقدیم به مجلس»، «اجرا» و «نظارت» را شامل می‌شود. قانون اساسی در اصل یک‌صدوسی‌وچهارم مقرر می‌دارد: «ریاست هیات وزیران با رییس‌جمهور است... و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند.» بودجه برنامه و نقشه دولت در یک بازه زمانی یک‌ساله است. رویه عملی روسای دولت در ادوار مختلف حضور در مجلس در فرآیند تقدیم لایحه بوده است.«تکرار و استمرار» به تعابیر حقوقی و فقهی جزو عناصر «وحدت رویه» است.سوابق نشان می‌دهد که در دوره قبل از بازنگری قانون اساسی نخست‌وزیر همواره در فرآیند تقدیم بودجه در مجلس حضور پیدا می‌کرد. بعد از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ که مسوولیت «برنامه و بودجه» مستقیما به عهده رییس‌جمهوری گذاشته شده است روسای جمهور در مجلس حضور پیدا می‌کردند با نگاه اجمالی به دلایل پیش‌گفته معتقدم حضور رییس‌جمهوری در فرآیند تقدیم الزامی بود.

گفت‌وگوی شرق با «پرویز کاظمی»

رییس دولت به روایت وزیر اخراجی

سعید شمس: «محمود احمدی‌نژاد» در شرایطی ماه‌های پایانی حضور خود در راس دولت را تجربه می‌کند که زیر ذره‌بین قرار دارد؛ ذره‌بین آنهایی که در سال ۸۴ برای موفقیتش تلاش کردند و حالا هم برای نقد کردن او از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. «پرویز کاظمی» که به عنوان وزیر تعاون در دولت نهم فعال بود و در مهر سال ۸۵ به عنوان اولین اخراجی از کابینه خارج شد، می‌گوید: «با توجه به مشاهداتم و نزدیکی به دولت از همان روزها می‌دانستم که این دولت، دولتی نیست که بتواند کارنامه مثبتی از خود برجای بگذارد.»

برخی معتقدند احمدی‌نژاد فردی شجاع است، احمدی‌نژاد واقعا شجاع است؟

ببینید! ما افراد را باید از ظرفیت و رفتارشان بشناسیم و قضاوت کنیم. همچنین باید این را در نظر بگیریم که بین شجاعت و بی‌گدار به آب زدن و تهور فاصله زیادی وجود دارد که متاسفانه معمولا این فاصله دیده نمی‌شود. آقای احمدی‌نژاد برخی کارهایی را انجام دادند که از نظر عده‌ای شجاعت بود اما نتیجه و شرایطی که به وجود آمده است، مشخص کرد که بعضی از تصمیم‌ها، تصمیم‌هایی بود که منطق در اغلب آنها جایی نداشت و به همین دلیل ضررهای زیادی را متوجه جامعه کرد. به عنوان مثال همه می‌دانند که توجه و اعتماد به جوانان تاثیرات مثبتی دارد و فواید زیادی را موجب می‌شود اما اینکه ایشان در شروع دولت نهم تعدادی از جوانان بدون تخصص را وارد چرخه مدیریتی کردند، از اول هم مشخص بود که آسیب‌رسان است. اینجا باید این‌طور نتیجه‌گیری کنیم که بی‌گدار به آب‌زدن هیچ تناسبی با شجاعت ندارد.

«قانون‌گریزی» تحلیل‌تان از این اتهامی که همیشه متوجه احمدی‌نژاد و دولتی‌هاست، چیست؟

نکته مشخص این است که اگر نسبت به قانون ایرادی داریم، باید بدانیم که در مقامی نیستیم که آن را اجرا نکنیم و باید با راه‌های قانونی دنبال اصلاح باشیم. قانون‌گریزی رییس‌جمهوری به مثابه پلیسی است که خود چراغ‌قرمز را رعایت نمی‌کند و مامور جریمه رانندگانی است که از چراغ‌قرمز عبور می‌کنند. دور زدن قانون آن‌هم توسط دولتی‌ها باعث می‌شود تا بدرفتاری در جامعه نهادینه شود. متاسفانه فرهنگ قانون‌گریزی، فرهنگ گوش‌نکردن به حرف هم، فرهنگ دستور و امرونهی کردن و حتی خدای ناکرده فرهنگ تحقیر دیگران رایج شده است که باید هرچه زودتر چاره‌ای برای خروج از این بحران اندیشید.

البته اینها نمونه‌هایی از بدرفتاری‌هایی است که مشاهده می‌شود. نکاتی وجود دارد که با وجود قانونی بودن، ندانم‌کاری تلقی می‌شود و هزینه‌ساز هستند.

چه نکته یا نکاتی؟

همین عزل و نصب‌هایی که در طول هفت‌سال و اندی شاهد بودیم را هیچ‌کس نمی‌تواند تحرکی غیرقانونی تلقی کند. با این وجود صدمه‌هایی که این نوع جابه‌جایی‌ها به نظام مدیریتی کشور وارد کرد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. دولت آقای احمدی‌نژاد در این سال‌ها به کرات دچار تغییر شد و حتی گاهی یک مدیر، حتی نتوانست مدیریت خود را یک‌سال ببیند. خب! در این شرایط طبیعی است که دستگاه‌هایی که به طور متوالی با تغییر مدیران خود مواجه می‌شدند، نتوانند انتظارات را برآورده کنند.

احمدی‌نژاد ۸۴ با احمدی‌نژاد این روزها قابل قیاس است؟

آدم‌ها ویژگی‌هایی دارند که وقتی در مصدر کار قرار می‌گیرند، تازه نمود پیدا می‌کند. با نگاهی به آنهایی که روزی به عنوان حامیان سینه‌چاک احمدی‌نژاد فعال بودند و حالا تندترین هجمه‌ها را روانه او می‌کنند، نشان می‌دهد که احمدی‌نژاد «خیلی» فرق کرده است. نوع اظهارنظر، تصمیمات گرفته شده، واکنش‌ها به اتفاقات و... همه اینها را اگر کنار هم بگذاریم، می‌توانیم به راحتی به این نتیجه برسیم که احمدی‌نژادی که تلاش می‌کرد رییس‌جمهور شود با احمدی‌نژادی که رییس‌جمهور است، اصلا شبیه هم نیستند. البته نباید از این مساله هم به راحتی بگذریم که نه آن حمایت‌ها، حمایت‌هایی منطقی بود و نه انتقادات فعلی را می‌توان نقد و نظرهایی در چارچوب واقعیت‌ها تلقی کرد.

«احمدی‌نژاد پرکار است» این ذهنیت، ذهنیتی صحیح است؟

برای اینکه بتوانیم تحلیل درستی از عملکرد افراد داشته باشیم، باید ببینیم که فرد موردنظر نمایش می‌دهد یا واقعا کار می‌کند. گاهی دیده می‌شود که چندین نفر در تلاشند تا سنگ بزرگی را جابه‌جا کنند که نمی‌توانند، اما کسی می‌آید و با کمک از اهرم به راحتی جای سنگ را عوض می‌کند. حرف من این است که «کار» ی را باید کار تلقی کنیم که توام با کارشناسی باشد. دولتی‌ها به طور دایم در حال اجرای نمایش تبلیغاتی هستند و نتیجه کارهایشان نشان می‌دهد که نتوانسته‌اند دستاورد مهمی داشته باشند. در واقع باید گفت که کمیت مهم نیست و این کیفیت است که باید ملاک قضاوت باشد. با بررسی شرایط موجود و مشکلات و محدودیت‌هایی که در جامعه است و مردم را با مشکل مواجه کرده، نشان می‌دهد که پرکاری دولت هیچ سودی نداشته است.

احمدی‌نژاد حتی توسط برخی از همفکرانش هم به این متهم می‌شود که خود را برتر از دیگران می‌بیند. شما به عنوان کسی که رابطه کاری مستقیمی با وی داشتید، این روحیه را در رییس دولت می‌بینید؟

حدیث «حب‌النفس راس کل خطیئه» مهر تاییدی بر مذموم بودن «خودبرتربینی» است. باید یاد بگیریم که توانایی خود را بسنجیم و همچنین موقعیت‌سنجی کنیم تا دچار توهم نشویم. آقای احمدی‌نژاد این روحیه را دارند و به طور آشکارا خودش و دولتش را در راس همه امور می‌بیند و به همین دلیل به راحتی نظرات مطرح شده را نفی می‌کند و فکر می‌کرد حرف، فقط حرف خودش است. به همین دلیل است که شاهد این هستیم که قانون‌گریزی هم از او سر می‌زند.

شما اگر در جلسه‌ای که وزرا به انتخاب مشایی به عنوان معاون اولی اعتراض داشتند حضور داشتید، اعتراض می‌کردید یا به تصمیم رییس‌جمهوری احترام می‌گذاشتید؟

قطعا اعتراض می‌کردم. با اینکه انتخاب معاون حق طبیعی منتخب مردم در انتخابات است، باید گفت که می‌توان درباره درستی یا نادرستی وارد بحث شد. انتخاب رحیم مشایی به عنوان معاونت اول در دولت دهم قطعا یکی از بزرگ‌ترین اشتباه‌های آقای احمدی‌نژاد بود.

چرا؟ به هر حال او در دولت نهم سمت مهمی داشت.

همین رفتارهای نابهنجاری که موضوع بحث ما بود به مشایی نسبت داده می‌شد و به همین دلیل مشخص، نباید جایگاه معاون اولی را در اختیار کسی می‌گذاشت که مورد نقدهای جدی دلسوزان نظام بود.

شما مشایی را در دولت شناختید. چه تحلیلی از رفتارهای ایشان دارید؟

مشایی انسان بسیار معمولی است و من تعجب می‌کنم که او را خاص می‌دانند. مشایی نه استعداد و فکر خاصی دارد و نه صاحب تفکر است. تنها فرق او با بقیه این است که احمدی‌نژاد دوستش دارد و امکانات و موقعیت زیادی را در اختیارش گذاشته است.

چرا «مشایی»، چرا «الهام» یا مثلا «غضنفری» نه؟

به نظر من برای شناخت افراد باید دید دوستانش چه کسانی هستند. اسفندیار رحیم مشایی بیشتر از هر کس دیگری شبیه احمدی‌نژاد است و به همین دلیل نزدیک‌ترین فرد به رییس‌جمهوری است.

اگر دولت بعدی با ریاست یکی از چهره‌های منتسب به دولت تشکیل شود، حاضر به همکاری با دولت یازدهم خواهید بود؟

نه، وقتی حتم دارم که سیستم غلط است و هدف، هدفی منطقی نیست، دلیلی به همکاری نمی‌بینم.

شما اولین وزیر جدا شده یا اخراجی دولت احمدی‌نژاد هستید. جدایی‌تان چطور بود؟

جدایی من اخراج نبود. در جلسه‌ای که در مهر سال ۸۵ و با حضور من و آقای رییس‌جمهوری و الهام برگزار شد، قرار بر این شد که من به همکاری‌ام با دولت پایان دهم.

شما استعفا دادید؟

نه، واقعیت این است که دو طرف به این نتیجه رسیدیم که همکاری با شرایطی که وجود داشت، بی‌فایده بود.

اگر از شما برای حضور در دولتی که یکی از وابستگان دولت فعلی رییس آن باشد، دعوت شود، حاضر به قبول مسوولیت خواهید شد؟

هرگز. چون این مجموعه من را به این نتیجه رسانده‌اند که وجاهت کاری و فکری ندارند.

بحث احمدی‌نژاد و لاریجانی در روز استیضاح خیلی‌ها را متعجب کرد، شما هم تعجب کردید؟

نه، با توجه به‌شناختی که از ایشان داشتم و همچنین با درنظرگرفتن اینکه او در جلسه قبلی حاضر نشد تا سخنان نمایندگان مجلس را گوش دهد، حدس می‌زدم که جلسه استیضاح، جنجالی شود. به هر حال آقای احمدی‌نژاد را در این هشت‌سال همه شناخته‌اند.

الو شرق ۸۸۹۸۶۸۳۸

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **کلاف سردرگم ترافیک:** خیابان‌های تهران در ازدحام خودروها در حال انفجار است. مردم به دلیل ترافیک سنگین خیابان‌ها دیر به محل کار و در بازگشت با تاخیر به خانه‌هایشان می‌رسند. فروش روزانه آرم ترافیک که بیشتر موجب ترافیک آزاردهنده می‌شود، مزید بر علت شده است. هدف از فروش آرم ترافیک روزانه کمک به مردم است یا افزایش ترافیک؟ از مسوولان راهنمایی و رانندگی و سازمان ترافیک شهرداری تهران تقاضا داریم برای رفع معضل ترافیک پایتخت چاره‌ای اساسی بیندیشند. اگر اجرای طرح ترافیک است پس چرا آنقدر آرم ترافیک فروخته می‌شود؟ به‌خصوص اینکه تاثیرش در کندی حرکت اتوبوس‌های شهر بسیار زیاد است.

فرخی‌پور از تهران

● **بی‌توجهی به درخواست‌های مردم:** مقابل گودبرداری بزرگراه شهید حقانی روزشمار نصب شده، تکمیل این عملیات را ۱۱۶ روز اعلام می‌کند و مسافران مترو ناچارند هر روز از این محل عبور و مشکلات این محور را تحمل کنند. تغییر مسیر ورود و خروج مسافران به ایستگاه و فنس‌گذاری در مجاورت بزرگراه و پیاده‌رو موجب مشکلات فراوانی شده است. اینکه چرا مسوولان مترو به درخواست‌های مردم نسبت به جمع‌آوری فنس‌ها ترتیب اثر نمی‌دهند، جای سوال است؟

کشمیری از تهران

● **احیای فرهنگ اهدای کتاب و مطالعه:** بسیاری از مردم سال‌های گذشته به مناسبت‌های مختلف کتاب هدیه می‌دادند و این رسم تا مدت‌ها ادامه داشت، اما با پیشرفت علم و فناوری و اینترنت و وبلاگ و گرانی چشمگیر قیمت کتاب، این فرهنگ متاسفانه کم‌کم به فراموشی سپرده شده است و اغلب افراد به جای مطالعه ساعت‌ها وقت خود را پشت کامپیوتر می‌گذرانند. بجاست در ایام عید به دوستان خود کتاب هدیه بدهیم تا فرهنگ مطالعه احیا شود.

علی‌اکبر فرقانی

● **مشکل رفت‌وآمد:** خیابان الله‌دادی به علت بزرگراه امام‌علی (ع) مسدود است و ساکنان این محور برای عبور و مرور مشکلات فراوانی را تحمل می‌کنند. از شهرداری منطقه ۱۴ تقاضا داریم برای رفت‌وآمد مردم چاره‌ای بیندیشد.

علوی از تهران

● **عیدانه:** واریز عیدانه از سوی دولت به حساب خانوارها شاید تا حدودی مرهمی بر بدهی‌های مردم باشد اما التیام‌بخش نیست. چرا که مشکلات آنقدر زیاد است که این پول‌ها به جایی نمی‌رسد بلکه باید برای کاهش قیمت‌ها تلاش بیشتری از سوی مسوولان به عمل آید. از آنجایی که نقدینگی زیاد است و تولید کالا کم، هر چقدر هم پول دست مردم قرار گیرد، بر بهای کالاها افزوده می‌شود.

یک شهروند